



ناتوانی انسان از فهم عوالم اخروی / تعبیر مخصوص قرآن درباره درک برزخ و قیامت

بنابر آیات قرآن و روایات، برزخ و عوالم اخروی و خصوصیات آنها از محدوده ادراک و شعور انسانها در حیات دنیوی خارج بوده و خبر دادن از آنها هم آن چنان که هست، به لحاظ محدودیت ادراک انسانها و به لحاظ قاصر بودن الفاظ امکان ندارد.

بنابر آیات قرآن و روایات، برزخ و عوالم اخروی و خصوصیات آنها از محدوده ادراک و شعور انسانها در حیات دنیوی خارج بوده و خبر دادن از آنها هم آن چنان که هست، به لحاظ محدودیت ادراک انسانها و به لحاظ قاصر بودن الفاظ امکان ندارد. به گزارش خبرگزاری مهر، خصوصیات کامل برزخ و عوالم دیگر در فهم و بیان انسان نمی گنجد، اما در آیات قرآن و در روایات وارده از معصومین (ع) اشاراتی آمده است بر اینکه ما انسانها نمی دانیم و نمی توانیم بدانیم که در عوالم اخروی چه هست و چه خواهد شد. آیات قرآنی پر از این قبیل تعبیرات است که می توان به آیه 41 سوره توبه، آیه 95 سوره نحل، آیات 184، 188 و 232 سوره بقره، آیه 64 سوره عنکبوت و آیه 17 سوره سجده اشاره کرد.

این آیات در مجموع از این حقیقت حکایت می کند که انسانها در حیات دنیوی خود نه تنها آن ظرفیت علمی را ندارند که بتوانند عوالم اخروی و خصوصیات آنها را عینا درک کنند و صور اعمال و عقاید و اخلاق دنیوی خود را در آن عوالم مشاهده کنند، بلکه این ظرفیت را هم ندارند که از طریق تفهیم و تعلیم به همه ابعاد آنچه در آن عوالم وجود دارد پی ببرند و نمی شود به انسانها در این دنیا همه جوانب آنچه را که در آن عالم می گذرد و احکام و آثار خاص و معیارهای مخصوص آنها را خبر داد و تفهیم نمود.

تعبیرات و اشارات موجود در آیات و روایات به خوبی دلالت بر این حقیقت دارد که آنچه از عوالم اخروی و خصوصیات آنها به انسانها گفته شده و خبر داده شده نمونه ای است از آن عوالم و حقایق و اسرار آنها، آن هم در حد معین و در یک محدوده خاص و به اندازه ای که الفاظ و کلمات اداء آن را دارد. آیه 15 سوره محمد(ص) می فرماید: مثل بهشتی که به متقین وعده داده شده این است که در آن نهرهایی از آب صاف و نهرهایی از شیر که طعم آن تغییر نکرده است، وجود دارد و نیز نهرهایی از شراب خاص که سراپا لذت برای نوشندگان است و نهرهایی از عسل مصفی و همچنین از همه میوه ها در آن وجود دارد و بالاتر از همه اینها مغفرت و عنایات و الطافات الهی است که بزرگترین نعمت از نعمت های بهشتی می باشد.

تعبیر "مثل الجنة" حاکی از این است که آنچه در این آیه و نیز آنچه در آیات دیگر از بهشت ها و نعمت های آنها خبر داده است، همه آنها به نحو "مثل" از حقیقت بهشت ها و نعمت های آنها است و نه اصل حقیقت آنها و همه آنچه در آنهاست، زیرا که حقیقت بهشت ها و نعمت های آنها، خیلی بالاتر از آن است که برای انسانها در دنیا با محدودیت علمی و ضعف درک و شعوری که دارند، تفهیم گردد، آنهم با الفاظ و کلماتی که در اصل، قاصر از اداء حقایق بالاتر است و نمی شود با آنها حقایق برتر و مجرد از حدود زمانی و مکانی و مادی را آن چنانکه باید خبر داد و حکایت نمود و نمی شود با آنها احکام ناشناخته و معیارهای ناشناخته را بیان کرد.

تعبیر مخصوص "ما ادريک" که به معنی "تو چه میدانی" می باشد و در خصوص روز قیامت و عوالم اخروی است و در موارد متعددی در قرآن آمده است با وضوح و صراحت، حکایت از این معنی می کند که قیامت و عوالم اخروی و خصوصیات آنها از محدوده ادراک و شعور انسانها در حیات دنیوی خارج بوده و خبر دادن از آنها هم آن چنان که هست، به لحاظ محدودیت ادراک انسانها و به لحاظ قاصر بودن الفاظ امکان ندارد.

آیات 18 و 17 سوره انفطار می فرماید: و ما ادريک ما يوم الدين، ثم ما ادريک ما يوم الدين؛ و تو چه میدانی که چیست روز جزا و باز تو چه میدانی که چیست روز جزا و روز قیامت؟. آیه 19 سوره المطففين هم می فرماید: و ما ادريک ما علیون؛ و تو چه میدانی که عوالم

در آیات دیگری هم همین تعبیر "ما ادريک" در خصوص آخرت و عوالم اخروي به کار رفته است که حکایت از بالاتر از فهم عادي بودن آن عوالم می کند و حکایت از این معنی که نمی شود آنها را آن چنانکه هست به انسان دنیوی تفهیم نمود دارد. البته انسانها بعد از مرگ و بعد از ورود به برزخ، این معنی را آرزو می کنند که چه خوب بود از عالم جدیدی که تازه به آن وارد شده اند به انسانهای دنیوی خبر می دادند و از آنچه دیده اند و شنیده اند و یافته اند، به انسانهای موجود در دنیا و با آنها که از آنچه می گذرد، بی خبر هستند و از آنچه به آنها احاطه دارد و لکن نمی دانند، خبر داده و آنها را در جریان می گذاشتند.

آنها که در برزخ از وضع خوبی برخوردارند، آرزوی این معنی را می کنند که چه خوب بود می توانستند از حیات جدید و حیات سعیده ای که بعد از مرگ و در برزخ از آن بهره مند هستند، به انسانهای خوب و پاک دنیوی که حیات سعیده برزخی در انتظار آنان نیز هست، خبر می دادند و حیات جدید برزخی را آن چنان که هست، به آنها تفهیم می کردند. اینها می بینند آنچه در زندگی دنیوی از برزخ و حیات آن می دانستند، یک علم بسیار ناقص و یک تصور کاملاً مبهم و کلی بوده و خیلی پایین تر از واقعیت هایی بوده است که با آنها مواجه گشته اند و اصولاً آنچه اینها در دنیا تصور می کرده اند، یک تصور کلی و مبهم و نارسا و ناقص بوده است.